

جایگاه کشور عراق در جبهه مقاومت

فائز جلیل طهماسبی^۱، سیدسجاد حسینی^۲، الهام احمدی^۳

چکیده

مقاله حاضر با رویکرد تلفیقی (توصیفی - تاریخی و رئالیسم تدافعی) به بررسی جایگاه کشور عراق در جبهه مقاومت می‌پردازد و سعی دارد با تأکید بر ویژگی‌ها و شاخصه‌های مهم کشور عراق جایگاه مهم این کشور را در اتخاذ سیاست و خط‌مشی تصمیم‌گیرندگان امر به اثبات برساند. این نوشته اذعان می‌دارد که عراق به دلیل موقعیت خاص ژئوپلیتیکی ذخایر نفت و گاز و از همه مهم‌تر شرکت داشتن در جبهه مقاومت و همسایگی با کشور ایران همواره مورد توجه قدرت‌های فرامنطقه‌ای و کشورهای همسایه بوده است. این مقاله در ادامه با اشاره به جایگاه عراق و ایران به‌عنوان بخشی از محور مقاومت در نظریه‌های جهانی ژئوپلیتیک و ویژگی‌های ژئوپلیتیکی ایران و عراق را برمی‌شمارد و در پایان با اشاره به جایگاه و توانایی‌های جبهه مقاومت برای ایجاد همگرایی در منطقه و کاهش تنش را برمی‌شمارد. یافته‌ها حاکی از آن است که کشور عراق با اکثریتی مسلمان و شمار بالای شیعیان، از زمان سقوط صدام حسین تاکنون، جایگاهی ویژه در جبهه مقاومت داشته است اگرچه به نظر می‌رسد که محور مقاومت هنوز امکان بهره‌گیری گسترده و هماهنگ از این کشور را نداشته است؛ اما پتانسیل‌هایی مانند اهمیت ژئوپلیتیکی، داشتن مراجع تأثیرگذار شیعی و گروه‌های شیعی مختلف، در عراق نشان می‌دهد که این کشور جایگاهی مهم در تلقی محور مقاومت دارد. چه اینکه اگرچه در عراق گروه‌هایی مانند حشد الشعبی و کتائب از دیدگاه مقاومت در این کشور دفاع می‌کنند.

واژگان کلیدی

غرب آسیا، عراق، جبهه مقاومت، ژئوپلیتیک، استراتژیک، نفت، منطقه.

۱. کارشناسی علوم سیاسی دانشکده شهید محلاتی قم (نویسنده مسئول). faezjalilth@gmail.com

۲. گروه هوشبری، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

sseysadjadhoseini63@yahoo.com

elhaamah@yahoo.com

۳. دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

مقدمه

عراق کشوری در جنوب غربی آسیا که در سال ۱۹۳۲ به عضویت جامعه ملل درآمده و پایتخت آن شهر بغداد است و به گونه‌ای خود را وارث سرزمین‌های امپراتوری عثمانی منطقه خلیج فارس می‌داند و یکی از چهار کشور نفت‌خیز منطقه است؛ نفتی که در تغییر قدرت و ایجاد تنش نقش اساسی دارد. این کشور از جنوب با عربستان سعودی و کویت، از غرب با اردن و سوریه، از شرق با ایران و از شمال با ترکیه همسایه است. عراق در بخش جنوبی خود، مرز آبی کوچکی با خلیج فارس دارد و دو رود مشهور دجله و فرات که سرآغاز تمدن‌های باستانی بین‌النهرین در طول تاریخ کهن این کشورند از شمال کشور به جنوب آن روان هستند و با پیوستن به رود کارون، اروندرود را تشکیل می‌دهند و به خلیج فارس می‌ریزند. پس از فروپاشی شوروی فضای سیاسی حاکم بر آن دوران تغییر کرد و دولت‌مردان اروپایی توجه بیشتری را معطوف علم ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی نمودند. اهمیت مسائل ژئوپلیتیک، قدرت‌های بزرگ را بر آن داشت تا با استفاده از دستاوردهای علمی، از واقعیات جغرافیایی به نفع سیاست‌های خود استفاده کنند (Ahmadian, 2021: 1-16).

پیروزی انقلاب اسلامی ایران سبب تحول در منطقه غرب آسیا شد و معادلات نظام بین‌الملل را به هم ریخت. مقابله با تحرکات سیاسی آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه یکی از پیامدهای این انقلاب بود. اسلام سیاسی که در نتیجه گفتمان انقلاب اسلامی محور مقاومت با رهبری و نقش محوری ایران شکل گرفت. مبتنی بر اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی ایران، حفظ نظام و عمق بخشی و توسعه گفتمان و آرمان انقلاب از مبانی اصلی تأمین امنیت به شمار می‌روند که میان امنیت ملت‌های مسلمان و امنیت ملی، پیوند برقرار کرده است. با این وصف، تقویت و توسعه محور مقاومت، موجب امنیت جمهوری اسلامی خواهد شد (قاسمی، ۱۳۹۷: ۳۴-۵).

اصطلاح محور مقاومت به اتحاد سیاسی^۱ بین ایران، دولت اسد سوریه، گروه مبارز حزب‌الله و لبنانی‌ها اطلاق می‌شود. شبه نظامیان حامی دولت سوریه، شبه نظامیان شیعه عراقی

که بخشی از نیروهای حشد الشعبی مورد تحریم دولت عراق و جنبش انصارالله یمن هستند نیز بخشی از این ائتلاف محسوب می‌شوند. به‌رغم ایدئولوژی‌های متفاوت این اتحاد و مذاهب مختلف از شیعه تا سنی، آن‌ها با هم برای مقابله با فعالیت‌های ناتو، اسرائیل و عربستان در منطقه متحد شده‌اند (همان).

این اصطلاح توسط روزنامه روزانه لیبی الزهف الاخبار^۱ در پاسخ به ادعای رئیس‌جمهور آمریکا جورج دبلیو بوش مبنی بر تشکیل ایران، عراق و کره شمالی «محور شرارت» استفاده شد. در مقاله‌ای با عنوان «محور شرارت یا محور مقاومت^۲»، این روزنامه در سال ۲۰۰۲ نوشت که «تنها مخرج مشترک در میان ایران، عراق و کره شمالی مقاومت آن‌ها در برابر هژمونی ایالات متحده است.» (همان). روزنامه جمهوری اسلامی ایران بعداً این زبان را با اشاره به شورش شیعه در عراق پذیرفت و در سال ۲۰۰۴ نوشت: «اگر خط شیعیان عراق به پیوند، اتحاد و تحکیم احتیاج داشته باشد، این وحدت باید در محور مقاومت و مبارزه با اشغالگران تحقق یابد» (Sullivan, 2014: 1-43). در سال ۲۰۰۶، سعید سایم، وزیر کشور فلسطین، طی مصاحبه‌ای با یک تلویزیون العالم این اصطلاح را به کار برد و به اهداف سیاسی مشترک اعراب در مخالفت با اهداف رژیم اسرائیل یا ایالات‌متحده اشاره کرد. سایم با اشاره به تعداد زیاد آوارگان فلسطینی در سوریه، اظهار داشت: «سوریه همچنین یک کشور عربی اسلامی است و مورد هدف آمریکایی‌ها و رژیم صهیونیست‌ها قرار می‌گیرد. از این رو ما در سوریه، ایران، حزب‌الله و حماس محور مقاومت در مقابل از این فشارها را داریم» (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۳: ۱۱۳-۷۳). بر این اساس پس از چند سال، اصطلاح «محور مقاومت» در اوایل سال ۲۰۱۰ در بیان مقامات سیاسی استفاده شد (علیدادی، ۱۳۹۰: ۱۹۱-۱۷۵). پس از دو سال، علی‌اکبر ولایتی، مشاور ارشد امور خارجه رهبر معظم انقلاب اسلامی، این اصطلاح را به کار برد و گفت:

1. Al-zahf Al-Akhdar

2. Axis of Evil or Axis of Resistance

«زنجیره مقاومت در برابر رژیم اسرائیل توسط ایران، سوریه، حزب‌الله، دولت جدید عراق و حماس از شاهراه سوریه عبور می‌کند ... سوریه حلقه طلایی زنجیره مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی اسرائیل است» (Goodarzi, 2013).

این عبارت بار دیگر در آگوست ۲۰۱۲ در ملاقات بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه و سعید جلیلی دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران در مورد جنگ داخلی سوریه مورد استفاده قرار گرفت. او گفت:

آنچه در سوریه اتفاق می‌افتد یک مسئله داخلی نیست، بلکه درگیری بین محور مقاومت و دشمنان آن در منطقه و جهان است. ایران شکستن محور مقاومت را که سوریه بخشی ذاتی از آن است، به هیچ‌وجه تحمل نخواهد کرد.

از سوی دیگر، جغرافیدانان سیاسی قدرت را ناشی از عوامل محیط جغرافیایی می‌دانند. هر واحد سیاسی تحت تأثیر جایگاه ژئوپلیتیک خود با کشورهای مختلف به‌ویژه با قدرت‌های جهانی در تعامل است. برخی از کشورها به دلیل موقعیت جغرافیایی و دوری از صحنه منازعات از تجاوزات خارجی مصون‌اند. در مقابل کشورهایی همچون ایران و عراق متأثر از جایگاه ژئوپلیتیکی خود همواره نقش مهمی را در استراتژی‌های جهانی به عهده دارند و صحنه منازعات جهانی بوده‌اند. لذا کشورهای منطقه خاورمیانه به‌خصوص ایران و عراق به دلیل برخورداری از منابع سرشار نفتی و گازی و موقعیت ویژه ژئوپلیتیک و طبیعت منحصربه‌فرد همواره مورد توجه بوده‌اند.

لذا درک این واقعیت ما را بر آن می‌دارد تا نقش عراق در ژئوپلیتیک غرب آسیا و جبهه مقاومت را مورد بررسی قرار دهیم. بر این اساس سؤال این تحقیق این‌گونه مطرح می‌شود که جایگاه کشور عراق در جبهه مقاومت چیست؟ هدف اصلی این پژوهش تبیین اهمیت و جایگاه ژئوپلیتیک عراق است و اهداف فرعی را می‌توان این‌گونه برشمرد:

- الف) شناخت ژئوپلیتیک و مؤلفه‌های آن؛
- ب) شناخت عوامل مؤثر بر ژئوپلیتیک؛
- ج) شناخت نظریه‌های جهانی ژئوپلیتیک.

پیشینه پژوهش

در حوزه مقاومت و محور مقاومت، تحقیقات، مطالعات و پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است. با عنایت به اهمیت و دامنه پژوهشی، این موضوع دارای اهمیت مطالعاتی بالایی است. در ادامه به صورت خلاصه به چند مقاله علمی - پژوهشی در این حوزه اشاره می‌شود:

ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی عنوان مقاله‌ای است که توسط بهزاد قاسمی نوشته شده و در مجله آفاق امنیت چاپ شده است. در این مقاله عنوان شده است که ژئوپلیتیک محور مقاومت پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با تعریف گفتمان جدید در مقابل اهداف و برنامه‌های غرب، امریکا و استکبار جهانی با نقش محوری جمهوری اسلامی ایران تعریف شد. ماهیت گفتمانی انقلاب اسلامی تأثیرات بنیادی و عینی بر محور مقاومت در مقابل استکبار و رژیم صهیونیستی داشته است

(Ahmadian, 2021: 1-16).

ائتلاف سه‌گانه ایران، سوریه، حزب‌الله و تأثیر آن بر منافع امریکا در خاورمیانه، نوشته حبیب‌الله شیرازی و رضا پارسه و چاپ شده در مجله سیاست جهانی. این مقاله با تمرکز بر نقش محوری و رهبری ایران در مقاومت و رویکرد تأثیرگذاری و تقابل با منافع امریکا در خاورمیانه تمرکز داشته و نقش محدودکنندگی رژیم صهیونیستی را بررسی کرده است

(Sullivan, 2014: 1-43).

انقلاب اسلامی ایران و برسازی هنجار سیاسی مقاومت در روابط بین‌الملل، نوشته زهره پوستین چی و چاپ شده در فصلنامه آفاق امنیت. این مقاله به اثربخشی هنجارهای اسلامی بر روابط بین‌الملل اشاره داشته و نشانه‌های سیاسی و هنجاری انقلاب اسلامی را تحلیل و بررسی کرده است (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۳: ۱۱۳-۷۳).

انقلاب اسلامی ایران و ژئوکالچر مقاومت در سیاست بین‌الملل، نوشته شهربانو علیدادی و چاپ شده در فصلنامه سیاست. این مقاله به رویارویی مقاومت ناشی از هویت با الگوهای مبتنی بر سیاست وضع موجود پرداخته و مبانی و ماهیت آن را تحلیل کرده است (علیدادی، ۱۳۹۰: ۱۹۱-۱۷۵).

روش پژوهش

با توجه به ماهیت نظری این مطالعه، از رویکرد تلفیقی (توصیفی-تاریخی و رئالیسم تدافعی)^۱ استفاده می‌شود. در طراحی تحقیق از داده‌های تحقیق تاریخی، توصیفی و تجربی استفاده می‌شود. داده‌های موردنیاز در این مطالعه از طریق منابع کتابخانه، اسناد و وبسایت‌ها و منابع مختلف اینترنتی جمع‌آوری می‌شود.

در خصوص نظریه رئالیسم می‌توان گفت که از آنجا که رئالیسم غالباً از نمونه‌هایی از گذشته استفاده می‌کند، تأکید زیادی بر این ایده وجود دارد که انسان اساساً گروگان الگوهای تکراری رفتاری است که بر اساس ماهیت آن‌ها تعیین می‌شود. نکته اصلی در این فرض این است که انسان خودخواه است و قدرت می‌خواهد. واقع‌گرایان معتقدند که خودخواهی، تمایل و رغبت ما برای قدرت و ناتوانی در اعتماد به دیگران منجر به نتایج قابل پیش‌بینی می‌شود. شاید به همین دلیل جنگ در طول تاریخ ثبت شده بسیار رایج بوده است. رئالیست‌ها با فرض ماهیت غیرهمکارانه و خودخواهانه نوع بشر و نبود سلسله‌مراتب در سیستم دولتی، رهبران را تشویق می‌کنند که به شیوه‌های مبتنی بر سو ظن، قدرت و زور عمل کنند.

حقیقت این است که همه دولت‌های ملی به دنبال به حداکثر رساندن قدرت هستند، اما نه لزوماً به این دلیل که رهبران قدرت طلب دارند، بلکه به این دلیل که در سیستم آنارشیک^۲ بین‌المللی فقط راهی وجود دارد که بتوانند بقای خود را تضمین کند (Mearsheimer, & Alterman, 2001).

براین اساس رئالیسم در ماهیت خود قدرت را در سیاست خارجی برای دولت‌ها بسیار مهم می‌پندارد که جمهوری اسلامی و کشورهای عضو جبهه مقاومت نیز از این واقعیت مبرا نیستند. چه اینکه دلیل هانس مورگنتا^۳، نظریه پرداز واقع‌گرایی کلاسیک در روابط بین‌الملل، هدف سیاست خارجی را «منافع ملی» خلاصه کرد و آن را مترادف با دستیابی به قدرت

-
1. Defensive Realism
 2. Anarchic
 3. Hans Morgenthau

می دانست؛ بنابراین در سیستم بین الملل، به استثنای قدرت حاکم که از توزیع قدرت راضی باشد، سایر کشورها وضع موجود را نمی پذیرند و در تلاش برای توازن قدرت، رویکردی کاملاً تجدیدنظرطلبانه اتخاذ می کنند. این رفتار «نرمال و عادی» کشورها در سیاست خارجی است، به ویژه هنگامی که کشوری مانند ایران با یک قدرت تهاجمی مانند ایالات متحده روبرو می شود، تلاش می کند نفوذ خود را حداقل در منطقه خود در مقابل این قدرت گسترش دهد و قدرت را به حداکثر برساند این رویکرد جمهوری اسلامی را می توان در قالب «توازن قدرت»^۱ استفان والت توضیح داد یعنی: «توازن تهدید»^۲ برای حفظ امنیت خود (Waltz, 2012). «توازن تهدید» بیان می کند که برای جلوگیری از رقیب و بازگرداندن امنیت ملی باید از ترکیبی از قدرت های تهاجمی، توانایی های نظامی، نزدیکی جغرافیایی و ساختار ظریف قدرت داخلی (بسیج ملی) استفاده شود. همان طور که واضح است، سیاست محور مقاومت و کشورهای متحد در این جبهه بر اساس ویژگی های واقع گرایانه فوق استوار است، به طوری که جبهه مقاومت چاره ای ندارد جز «توازن تهدید» در منطقه و عراق. واضح است که در نظم آنارشیک فعلی، محور مقاومت و کشورهای متحد در این جبهه، به عنوان یک دولت ملی برای بقای سرزمین و هویت خود برای جلوگیری از تجاوزات خارجی و «تعادل داخلی» برای افزایش حمایت از گروه های سیاسی - داخلی و مدیریت فضای عمومی نیازمند طرح الگوی واقع گرایانه در سیاست خارجی است.

از طرف دیگر امنیت هستی شناختی مستلزم نیاز به هویتی با تجربه و پایدار برای درک و تحقق معنی و مفهوم موفقیت است. این بدان معناست که امنیت هستی شناختی، مانند امنیت جسمی، محرک و انگیزه ای از رفتارهای اولیه و مهم دولت ها در یک وسیله نقلیه برای به دست آوردن امنیت هستی شناختی در رفتار سیاست خارجی دولت ها از رابطه معتبر بین شک و بی اعتمادی و هویت است. کشورها نه تنها به دنبال امنیت نرمال، در گستره سرزمین و حکومت خود نیاز دارند بلکه آن ها همچنین در تلاش اند تا از منبع و منشأ اولویت های مداوم خود مانند

1. Balance Of Power

2. Balance Of Threat

هویت و اولویت‌ها و همچنین اعتبارات خود محافظت کنند (Jalal Dehghani Firoozabadi, 2011).

هویت به‌عنوان شخصیت محور مقاومت و کشورهای متحد در این جبهه در هسته اصلی مفهوم امنیت هستی‌شناختی در عراق است؛ بنابراین، کشف امنیت هستی‌شناختی در محور مقاومت و کشورهای متحد در این جبهه مستلزم تعریف، تعیین و تبیین ماهیت و هویت آن است می‌توان به‌طور ضمنی گفت که هویت محور مقاومت و کشورهای متحد در این جبهه با توجه به ماهیت اسلام شیعی معنا می‌گیرد که تبلور آن را در سیاست محور مقاومت و کشورهای متحد در این جبهه در منطقه می‌توان دید.

یافته‌های پژوهش

محور مقاومت در برابر داعش

گروه تروریستی داعش زمانی در عراق و سوریه حضور داشت و قسمت‌های زیادی از شمال سوریه و عراق را اشغال کرده بود. بخش کوچکی از این گروه تروریستی در حال حاضر در مناطقی از لیبی و نیجریه، افغانستان و آسیای جنوب شرقی فعالیت می‌کند. اکنون بسیاری از مناطق تحت کنترل داعش آزاد شده و در اختیار دولت‌های عراق و سوریه قرار گرفته است. فعالیت‌های تکفیری‌ها مرزهای جمهوری اسلامی ایران را به خطر نمی‌اندازد؛ اما امنیت ایران را نباید در مرزهای آن جست‌وجو کرد. خط مقدم نبرد با داعش و حامیان آن محدود به مرزهای ایران نیست و امروز ایران به‌عنوان قدرتمندترین کشور در منطقه، با رژیم صهیونیستی عمق استراتژیک خود را تا مرزهای جنوبی لبنان گسترش داده است. دیدگاه داعش درباره شیعیان، نشان می‌دهد که این گروه ایران را به‌عنوان هسته اصلی شیعیان هدف قرار داده و معتقد است که گروه آن‌ها باید به سمت هسته اصلی حرکت کند. اگرچه ظهور داعش، به‌عنوان یک بازیگر غیردولتی، به دهه گذشته برمی‌گردد، زمانی که التوحید الجهاد توسط ابومصعب الزرقاوی در عراق تشکیل شد، بحران امنیتی عراق توجه جهانیان را بیشتر به این گروه سوق داد.

داعش به‌عنوان یک پدیده نوظهور توانست در مدت زمان کوتاهی بر کشورهای منطقه و جهان تأثیر بگذارد و به‌عنوان یک بازیگر بسیار مخرب توانست قسمت بزرگی از خاک عراق و سوریه را اشغال کند و یک دولت مستقر بر مبنای خلافت اسلامی را مدعی شود.

اقدامات این گروه سلفی-تکفیری علاوه بر اینکه امنیت و تمامیت ارضی عراق و سوریه را تهدید می‌کند، تهدیدی مستقیم برای امنیت کشورهای خاورمیانه، به‌ویژه کشورهای محور مقاومت در منطقه است. از آنجاکه ایران یکی از کشورهای خاورمیانه و رهبر محور مقاومت در منطقه است، وجود داعش در سوریه و عراق علاوه بر تأثیرات و پیامدهای آن بر ساختار داخلی و امنیت این کشورها، بدون شک تهدید برای امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران است؛ بنابراین، ایران در اتحاد با دولت‌های عراق و سوریه و همچنین با کمک مؤثر حزب‌الله در لبنان و روسیه، درصدد حمله و نابودی داعش بود.

با توجه به اینکه حضور و فعالیت گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه به تهدیدی برای امنیت ملی ایران تبدیل شد؛ بنابراین، جمهوری اسلامی ایران درصدد رفع تهدیدهای امنیتی ناشی از بحران در دو محافل امنیتی ضروری و غیرضروری خود، یعنی عراق و سوریه است و با اتخاذ رویکرد دفاعی، گام‌هایی در جهت دستیابی به اهداف و منافع خود، به‌ویژه امنیت آن و محور مقاومت برمی‌دارد. در واقع ایران مهم‌ترین و مؤثرترین نقش را در نابودی داعش در سوریه و عراق داشته است.

داعش درگذشته تهدیدی برای تمامیت ارضی ایران قلمداد می‌شد، زیرا داعش در فکر ایجاد خلافت بود و ایجاد خلافت مستلزم ادغام کشورهای منطقه در یک کشور بود؛ بنابراین جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ تدابیر نظامی و دیپلماتیک، اهداف این گروه تروریستی را شکست داده و پایان دولت خودخوانده داعش را اعلام کرد. هزینه‌ها و پیامدهای اقدامات گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه که بسیار سنگین نیز بوده است، روند توسعه این کشورها را مختل کرده و بر پیچیدگی فزاینده بحران سیاسی در سوریه و عراق افزوده است

(Dorj, & Nourani Benam, 2020).

بی‌شک این نقش باعث تشدید نفرت آمریکایی‌ها و متحدان منطقه‌ای آن به‌ویژه عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی نسبت به ایران در حال حاضر و در دوران پس از داعش خواهد

شد و در نتیجه استراتژی‌های جدیدی برای مقابله با ایران که رهبر مقاومت است طراحی خواهند کرد. شهادت سردار سلیمانی و ابو مهدی المهندس، جانشین فرمانده نیروهای حشدالشعبی عراق و همراهان آن‌ها در تاریخ ۳ ژانویه ۲۰۲۰، در حوالی فرودگاه بین‌المللی بغداد توسط هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی به دستور مستقیم ترامپ در این رابطه قابل تحلیل است. در همین حال، در واکنش به این حملات، جمهوری اسلامی ایران همچنین در ۸ ژانویه ۲۰۲۰ با موشک به پایگاه عین الاسد در استان انبار عراق و پایگاه در اربیل، محل استقرار نیروهای آمریکایی، حمله کرد.

عراق و محور مقاومت

یکی از مباحثی که به لحاظ نظری همواره ذهن اندیشمندان حوزه روابط بین‌الملل را به خود مشغول داشته است نوع نظام بین‌الملل و آینده آن است. از زمانی که آمریکا موفق شد بر اردوگاه کمونیسم پیروز شود این بحث مجدد در محافل آکادمیک رونق گرفت که آینده نظام جدید که رهبری آن را آمریکا در دست دارد چه خواهد شد. آیا این کشور می‌تواند مثل همتای انگلیسی خود به مدت چندین قرن بر جهان سلطه داشته باشد یا خیر؟ عموم متفکران راه آمریکا در این خصوص را هموار تلقی می‌کردند و برخی کوشیدند اسلام را تنها مانع پیش روی آمریکا در قرن پیش رو برشمرند؛ اما هیچ کس به محور مقاومت در خاورمیانه و تأثیر آن در این‌باره توجهی ننمود. تنها پس از خروج اسرائیل از جنوب لبنان و شکست این رژیم در جنگ ۳۳ روز و ۲۲ روز بود که نگاه‌ها معطوف به محور مقاومت گردید. گفتمان مقاومت خوانشی انتقادی، قرائتی و اساختی و تضعیف‌کننده از نظام سلطه بود (محمودی رجا، باقری دولت‌آبادی و بهنام، ۱۳۹۷) حضور اکثریت جمعیت شیعی در حوزه خلیج فارس و اقلیت تأثیرگذار در غرب آسیا، بالکان و شمال آفریقا، جمعیت و ظرفیت تشیع را به‌عنوان یک نیروی قابل‌محاسبه در فضای ژئوپلیتیکی قرار داده است. ویژگی ممتاز شیعیان و عوامل مؤثر در ظرفیت و توانمندی آن‌ها، این گروه را به‌عنوان یک نیروی مؤثر در عمق‌بخشی انقلاب اسلامی و مقوم جبهه مقاومت به یک مسئله مهم و درخور تحقیق تبدیل کرده است (قاسمی، ۱۴۰۰).

محور مقاومت بیشتر با جمهوری اسلامی شناخته می‌شود و کمتر در خصوص عراق سخنی به میان آمده است. به گفته جوبین گودرزی، استادیار و محقق در دانشگاه وبستر، اتحاد ایران و سوریه که در سال ۱۹۷۹ تشکیل شد از اهمیت زیادی برای ظهور و تداوم محور مقاومت برخوردار است. هر دو کشور در مکان‌های مهم خاورمیانه قرار دارند و طی سه دهه گذشته بر سیاست‌های خاورمیانه تأثیر گذاشته‌اند. همچنین، این اتحاد پایدار در نظر گرفته می‌شود که ۳۴ سال «علی‌رغم چالش‌های زیادی که با آن روبرو بوده و تنش‌های دوره‌ای در روابط»، تداوم دارد (Majidyar, Alfoneh, Feierstein, Vatanka, & Lister, 2018).

در ابتدا، این اتحاد متشکل از دولت سوریه و حزب‌الله لبنان بود. سال‌ها بعد، ایران که از نزدیک با سوریه و حزب‌الله همسو بود، روابط محکم‌تری را بین این سه تشکیل می‌دهد و محور ایجاد می‌کند. ستیزه جویان عراقی و یمنی که با ایران هماهنگ می‌شوند به‌عنوان جدیدترین اعضای این اتحاد وارد شدند (Sullivan, Marisa April, 2014). پس از آغاز درگیری روسیه در جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۰۹، تعداد زیادی پوستر که تصاویری از نصرالله، اسد، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه را نشان می‌داد، با عنوان عربی به معنای «مردانی که در برابر به‌جز خدا تعظیم نمی‌کنند» ظاهر شده‌اند. بنا به گفته The Hill، پوسترها محور مقاومت دیگری را نشان می‌دهند که در حال ظهور است (Thongin, 2017).

از زمان سقوط صدام، ایران نفوذ خود را در خاورمیانه از طریق آنچه تحت عنوان محور مقاومت شناخته می‌شود، شامل دولت سوریه، حزب‌الله در لبنان و حماس و جهاد اسلامی در سرزمین‌های فلسطین، گسترش داده است. در دهه گذشته، دو نیروی جدید اغلب به اتحاد تحت هدایت ایران اضافه شده‌اند: شبه نظامیان شیعه در عراق و حوثی‌های یمن. باین‌حال، این دو مورد متفاوت هستند. درحالی‌که شواهد قابل‌توجهی وجود دارد مبنی بر اینکه ایران سرمایه‌گذاری زیادی در عراق انجام داده است، تلاش‌های آن در یمن بسیار متوسط‌تر به نظر می‌رسد. علاوه بر این، ظهور داعش به ایران اجازه داده است حضور خود را در عراق افزایش دهد و جنگ در یمن امکانات جدیدی را در شبه جزیره عربستان ایجاد کرده است. در نتیجه این تحولات، برخی از تحلیلگران شروع به استدلال می‌کنند که متحدان ایران در عراق و یمن

- به‌عنوان مثال شبه نظامیان شیعه عراق و حوثی‌ها - باید در لیست گروه‌های نیابتی ایران قرار بگیرند.

نفوذ ایران

سرنگونی رژیم صدام حسین و ایجاد سیستم حکومتی مبتنی بر دموکراسی نمایندگی راه را برای افزایش نفوذ ایران در عراق گشود. دو کشور مرز طولانی دارند و بیش از ۶۰ درصد از جمعیت عراق پیرو تشیع اثنی عشری، مذهب رسمی جمهوری اسلامی هستند. علاوه بر این، بسیاری از افراد در رهبری سیاسی فعلی عراق سال‌ها در ایران به تبعید پرداختند. یکی از اصلی‌ترین نیروهای سیاسی در دوران پس از صدام، شورای عالی انقلاب اسلامی عراق (که اکنون با نام شورای عالی اسلامی عراق، ISCI شناخته می‌شود) در سال ۱۹۸۲ در ایران تأسیس شد و شبه نظامیان آن، تیپ بدر، از طرف ایران در جنگ ایران و عراق شرکت کرد. از طرف دیگر، جمهوری اسلامی به‌طور سنتی روابط خوبی با کردهای عراق (با اکثریت سنی) کرد که در جنگ ایران و عراق نیز در کنار ایران جنگیدند. ایران پس از دهه‌ها خصومت از سوی همسایه غربی خود، از دیدن یک عراق تحت سلطه شیعه خوشحال بود که مشتاق برقراری ارتباط دوستانه و ارائه بازار گسترده‌ای برای محصولات ایرانی بود. به‌عنوان تهدید یا رقیبی برای هژمونی منطقه‌ای. ایران که مشتاق کمک به تسریع در خروج ائتلاف تحت سلطه ایالات متحده بود، از شبه نظامیان شیعه که در شورش شرکت می‌کنند مانند تیپ بدر حمایت کرد (Gordon, & Lehren, 2010)

آنچه در خصوص محور مقاومت در منطقه می‌توان گفت این است که این محور به‌عنوان تنها مخالف جدی حضور آمریکا در منطقه با در پیش گرفتن سیاست‌ها و اقداماتی همچون ضدیت با رژیم صهیونیستی، مخالفت با محافظه‌کاری عربی و شکل پوسیده‌ای حکومت‌داری آن، مخالفت با حضور آمریکا در منطقه، اعتقاد به ابزار نفت برای فشار بر غرب، حمایت از آرمان فلسطین، پذیرش نقش فراموش‌شده مردم در تعیین سرنوشت خود، قدرت گرفتن اقلیت‌های شیعه در دموکراسی‌های جایگزین و احیای تفکرات دین‌محور و رشد حرکت‌های

اسلام‌گرایانه در قالب ترویج بیداری اسلامی در سطح افکار عمومی مردم منطقه در افزایش هزینه‌ها و کاهش منافع آمریکا در منطقه تأثیر بسزایی داشته است (پارسای، مطهرنیا، ۱۳۹۳).

چهار کشور جمهوری اسلامی ایران، عراق، سوریه و لبنان در منطقه غرب آسیا دارای دغدغه‌های امنیتی مشترکی هستند. برخی از این نگرانی‌ها معطوف به تمهیدات لازم جهت بازدارندگی در مقابل تهدیدات مشترک در این منطقه می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران منطقه غرب آسیا را منطقه امنیتی خود می‌داند و نمی‌تواند نسبت به تنش‌های سیاسی، قومی، نژادی، مذهبی و تحولات سیاسی آن بی‌تفاوت باشد. لذا اتحاد ژئوپلیتیک ایران، عراق، سوریه و لبنان در منطقه استراتژیک «قیف مانند» غرب آسیا منجر به شکل‌گیری یک اتحاد قدرتمند در این منطقه خواهد شد. در شرایط فعلی تهدیدات رژیم صهیونیستی اسرائیل، اسلام‌هراسی برخی حاکمان منطقه و گروه‌های تکفیری و تروریستی در سوریه، عراق، لبنان و همچنین ماجراجویی‌های ایالات‌متحده آمریکا در منطقه غرب آسیا از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی مشترک بین اعضا می‌باشد و شکل‌گیری یک اتحاد ژئوپلیتیک، پاسخی به این تهدیدات مشترک می‌باشد. بعلاوه، مؤلفه‌های قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران از جمله، برخورداری از یک موقعیت برتر ژئوپلیتیک و ژئو استراتژیک، جمعیت زیاد و مانند آن، نقشی ممتاز و محوری در این منطقه برای ایران رقم خواهد زد (گلشنی و سهرابی، ۱۳۹۳: ۱۱۷-۸۱). بیداری اسلامی که رژیم‌های غرب‌گرا را در سراسر خاورمیانه به لرزه درآورد و چندین حزب اسلامی را به قدرت رساند، محور مقاومت را برای یارگیری در عراق بیشتر تشویق کرد. در نتیجه، ایران و حزب‌الله در جلوگیری از فروپاشی رژیم سوریه موفق بودند و مداخله روسیه از سپتامبر ۲۰۱۵ همه تضمین کرد که مخالفان را شکست می‌دهد. علاوه بر این، جنگ محور مقاومت را به یک نیروی جنگی تواناتر و یکپارچه تبدیل کرد و به ایران اجازه داد جنگ ترکیبی خود را توسعه دهد (همان). علاوه بر این، ظهور داعش این فرصت را به تهران داد که نوسان خود را در عراق افزایش دهد و شکست توافق‌نامه حمایت شورای همکاری خلیج فارس در یمن فرصتی برای تلافی‌جویی در برابر عربستان فراهم کرد.

حضور ایرانیان به‌ویژه در جنوب محافظه‌کار عراق، جایی که مقدسات نجف و کربلا واقع شده، مشهود است. شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران از حرم‌های مقدس که سالانه میلیون‌ها

زائر ایرانی پذیرایی می‌کنند، دفاع می‌کنند و احزاب سیاسی نزدیک به ایران (ISCI و بدر) اکثریت زیادی در شوراهای محلی دارند. در نجف، یک شرکت ایرانی مسئول جمع‌آوری زباله‌های شهری است (Thongin, 2017). در سطح دولت مرکزی، قاسم العارچی، مقام ارشد بدر، از ژانویه ۲۰۱۷ وزیر کشور است. سلف وی، محمد الغبان، همچنین یکی از اعضای سازمان بدر بود. رهبر بدر هادی العامیری دوست شخصی سرلشکر قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس، لشکر سپاه مسئول عملیات نظامی و مخفی خارجی بود.

الحشد الشعبي

ظهور داعش در میان اقلیت سنی ناراضی و تسخیر چشمگیر آن در مناطق گسترده‌ای از عراق و سوریه در سال ۲۰۱۴ فرصتی را برای تشدید مشارکت در تهران فراهم کرد. در ژوئن ۲۰۱۴ آیت‌الله‌العظمی سیستانی با صدور فتوایی از همه شهروندان عراقی خواست تا به جنگ علیه تهدیدات موجود داعش بپیوندند. با این حال، اکثر داوطلبان که به فتوای او پاسخ دادند، برای پیوستن به شبه‌نظامیان موجود یا تازه ایجاد شده که وحدت الحشدالشعبی (واحدهای بسیج مردمی)^۱ را تشکیل دادند (Piotrowski, 2017) پیوستند که همان محور مقاومت بود. ایران با ارسال حمایت مستقیم به بسیاری از ۵۰ شبه نظامی در الحشدالشعبی، برای ارسال وجوه، اسلحه و مشاوران به عراق شتافت. اندازه این‌ها از چند صد تا ده هزار نفر متفاوت است و وفاداری آن‌ها را به سیستانی تقسیم می‌کند (لشکر رزمی العباس، تیپ امام علی الاکبر ...). (Mohseni, & Kalout, 2017). در حال حاضر آینده شبه نظامیان الحشدالشعبی مشخص نیست. در مارس ۲۰۱۸، حیدر العبادی، نخست وزیر، فرمانی را صادر کرد که ورود آن‌ها به نیروهای امنیتی را رسمی می‌کند، اما چندین فرمانده الحشد الشعبی نزدیک به ایران تأکید کردند که آن‌ها به‌عنوان یک واحد نظامی جداگانه باقی خواهند ماند (Piotrowski, 2017).

الحشد الشعبی عراق، حوثی‌های یمن و شبه‌نظامیان شیعه موردحمایت ایران در سراسر خاورمیانه و جنوب آسیا با اعتقاد به اینکه جناحان جداگانه اما متحدی هستند، در یک جبهه

متحد علیه دشمنان مشترک، به اعضای هسته اصلی ایران، حزب الله و دولت سوریه پیوسته‌اند. همان‌طور که شرکای ایران قوی‌تر می‌شوند، می‌توانند استقلال یابند و حتی با تهران منشعب شوند، همان‌طور که با حماس در جنگ سوریه و روحانی شیعه مقتدا صدر در عراق اتفاق افتاد. در خصوص محور مقاومت در عراق نیز همین‌طور می‌تواند باشد. این محور برای مسلح ماندن و ادامه کارزارهای نظامی آن‌ها به پول نیاز دارد. اگر اقتصاد ایران بدتر شود، تهران می‌تواند مجبور به محدود کردن اعزام‌های منطقه‌ای و حمایت از متحدان شود. از آنجاکه محور ایران به اعتبار بازاریابی روزافزون - می‌تواند استراتژی ایران و محور مقاومت در عراق را دشمنان سازگار و با توانایی روزافزون - می‌تواند استراتژی ایران و محور مقاومت در عراق را تضعیف کند.

ممکن است مجموعه متنوعی از شبه‌نظامیان عراقی و گروه‌های سیاسی ایران در مقایسه با استراتژی آن در لبنان، یک مزیت مشخص داشته باشد. در لبنان، اتکای ایران به یک سازمان غالب، حزب الله، به معنای این بوده است که نفوذ ایران منوط به توانایی حزب الله در دوام بخشیدن به دوره‌های بحران داخلی بوده است. با این حال، تنوع استراتژی عراق نیاز به هماهنگی نیرومند در میان بسیاری از شبه‌نظامیان همسو با ایران دارد تا اطاعت و انسجام را در یک خط کلی حزب واحد تأمین کند. در حالی که قد و احترام به فرماندهی سردار قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس به معنای دستیابی به این هماهنگی بود.

شیعیان

شیعیان، یکی از گروه‌های مذهبی مهم در کشور عراق خاصه بعد از سقوط صدام حسین بوده‌اند که از همان زمان درصدد قدرت‌گیری در عراق برآمدند اگرچه گروه صدر تا حدی زیادی در به هم خوردن وحدت شیعیان عراق تأثیرگذار بود اما در سال‌های اخیر گروه‌هایی مانند حشد الشعبی و کتائب نشان داده‌اند که با وحدت رویه می‌توان در محور مقاومت در کنار هم ایستاد (Boduszyński, 2016). چه اینکه این گروه‌ها و جبهه مقاومت در برابر تسلط داعش در عراق در کنار یکدیگر جنگیدند. بر این اساس می‌توان گفت که ویژگی و ظرفیت‌های شیعیان عراق بر محور مقاومت تأثیر دارد و عراق جایگاهی مهم در معادلات جبهه مقاومت

دارد که محور مقاومت می‌تواند از پتانسیل نیروهای شیعی عراقی در سوریه و حتی لبنان نیز در مقابل کشورهای چپ‌گرای اسرائیل و گروهی چون داعش بهره‌برد. بر این اساس در تجزیه و تحلیل ویژگی شیعیان عراق بر محور مقاومت گفتنی است که اسلام سیاسی پیوند معنویت و سیاست به‌عنوان اولین و مهم‌ترین عامل مؤثر در محور مقاومت تعیین می‌شود. اسلام سیاسی در باور شیعیان عراق شامل: عدالت‌خواهی، معنویت، عقلانیت، وحدت و گفت‌وگو، ظلم‌ستیزی است. توانمندی سیاسی معنوی شیعیان، اعتقاد به امامت و باور به تشکیل حکومت اسلامی مطلوب، تکلیف آگاهی بخشی و بصیرت‌افزایی مبتنی بر تفکر اجتهادی در راستای مبارزه با ظالم برای احقاق حق مظلوم است (عالیشاهی، فروزان و مسعودنیا (۱۳۹۸)). همین امر می‌تواند به لحاظ مذهبی، پتانسیل گسترده‌ای را برای همکاری گروه‌های مختلف عراق در سایه‌ای اتحاد و مک‌مراجع شیعی در محور مقاومت پدید آورد. از طرف دیگر مراجع تقلید در عراق با توجه به جایگاه بالا بین شیعیان و تأثیرگذاری سیاسی و اجتماعی مرجعیت در عراق می‌تواند افق سیاسی شیعیان را در آینده تقویت کند. گروه‌های شیعه در عراق به‌عنوان گروه فرهنگی و سیاسی تأثیر زیادی در روابط بین ایران و عراق دارند و این روابط می‌تواند دستاوردهای زیادی را به همراه داشته باشد (قاسمی، ۱۳۹۵).

ژئوپلیتیک کشور عراق نیز از موضوعات مهمی است که می‌تواند اهمیت عراق را برای محور مقاومت بیش‌ازپیش اشاره می‌کند (سهرابی، اشرفی و کریمی، ۱۳۹۵). وجود مرزهای مشترک بین ایران عراق که دو قطب شیعیان در منطقه به شمار می‌روند و نزدیکی با یمن، بحرین، لبنان و افغانستان را می‌توان به‌عنوان امتیازی ژئوپلیتیکی برای محور مقاومت به‌حساب آورد که در نزدیکی سرزمینی مانند عراق، کشورهایی واقع شده‌اند که شیعیان در این کشورها تعدادی قابل توجه هستند. این پتانسیل ژئوپلیتیکی می‌تواند در عرصه اقتصاد نیز کارساز افتد (Dorj, & Nourani Benam, 2020).

چالش‌های کنونی محور مقاومت و راهکارها

در حال حاضر، تلاش‌های جدی برای بدنام کردن یک مثلث از عوامل مؤثر در نابودی داعش در حال انجام است که یک ضلع آن مرجعیت عراق است که توانسته است با هوشمندی مانع از رشد و گسترش این تفکرات در مردم عراق شود که اکنون متأسفانه جریاناتی درصدد توهین و حمله به آن است. محور دوم نیروهای نظامی محور مقاومت مانند حشدالشعبی و فرماندهان آن است که اکنون به‌طور جدی مورد حمله و آزار و اذیت قرار می‌گیرند و سومین ضلع جمهوری اسلامی ایران است که اکنون کانون و آماج اتهامات و دروغ‌پراکنی در عراق و لبنان قرار گرفته است. در صورتی که این جریانات اکنون درصدد به حاشیه بردن نقش منفی ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه هستند.

در کنار برداشت جامعه عراق از نفوذ ایران در کشورشان از طریق گروه‌هایی مانند الحشد الشعبی، رقبا و مخالفان جمهوری اسلامی ایران نیز با دامن زدن به برداشت یادشده، این‌گونه تبلیغ می‌کنند که حشد الشعبی صرفاً مأمور پیگیری منافع ایران در عراق است. چنین برداشتی سبب شده است جامعه معترض عراق به این باور برسد که حضور نیروهای شبه‌نظامی شیعی نزدیک به ایران و دخالتشان در سیاست، ایجاد دموکراسی در عراق را با چالش و مانع روبه‌رو می‌کند. برای عراقی‌هایی که رؤیای تشکیل عراقی دموکراتیک را در سر دارند، حضور نیروهای شبه‌نظامی شیعی نزدیک به ایران و دخالتشان در سیاست، کابوسی است که به تحقق پیوسته است؛ برای مثال، هرگاه در جریان اعتراضات عراق، یکی از معترضان کشته شده، آن‌ها بلافاصله نیروهای حشد الشعبی وابسته به ایران را مسئول کشتار معترضان اعلام کرده و حتی به برخی از دفاتر این گروه در شهرهای مختلف عراق حمله برده‌اند.

امروزه حشدالشعبی از طرف بخش‌هایی از جامعه عراق متهم به سرکوب اعتراضات در این کشور هستند. جریان‌های وابسته به ایران، مانند حشد الشعبی باید رویکرد جدید خود را نه بر پایه گذشته و مبارزه با داعش، بلکه بر مبنای نیاز فعلی عراق یعنی بازسازی و کارآمدی بنا نهند. روشن است که ریشه اصلی اعتراضات مردم عراق مشکلات اقتصادی و ناکارآمدی است. از این‌رو جریان‌های سیاسی طرفدار ایران باید از هم‌اکنون به دنبال برنامه‌های اقتصادمحور و

مشکل‌گشا برای جامعه عراق باشند و به این نکته آگاه باشند که رویکردهای امنیتی و اشاره به افتخارات مبارزه با داعش برای پیروزی و موفقیت کافی نیست. با توجه به ذهنیت منفی بخش معترض عراق نسبت به حشدالشعبی به‌عنوان ابزاری برای نفوذ و مداخله ایران در عراق، بهتر است که این نهاد، بخشی دیگر با عنوان «حشد سازندگی» یا «حشد البناء» در عراق تأسیس کند و از این‌پس تصمیمات و اقدامات خود را بیشتر بر مبنای رسیدگی به این ضرورت تنظیم کند. واقعیت این است که نیاز اصلی امروز مردم عراق بازسازی این کشور است و هر فرد و یا نهادی که در این بازسازی نقش داشته باشد، می‌تواند نزد مردم عراق محبوب شود. نهاد یاد شده باید فعالیت‌های موردنیاز برای بازسازی عراق را به‌صورت چندوجهی و در چند حوزه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی انجام دهد. ایران نیز همچنان به همکاری‌ها و کمک‌های خود به حشد سازندگی در سایر حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی ادامه دهد. در این صورت نه‌تنها رضایت نسبی مردم عراق به‌دلیل بهبود اوضاع تأمین می‌شود، بلکه برای جمهوری اسلامی ایران نیز آورده اقتصادی در پی خواهد داشت (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹۴).

بحث و نتیجه‌گیری

حزب‌الله نزدیک‌ترین متحد ایدئولوژیک و نظامی ایران و محور مقاومت است. ایران برای طراحی و اجرای استراتژی به حزب‌الله اعتماد می‌کند، این گروه را قادر می‌سازد اولویت‌های نظامی و سیاسی خود را دنبال کند و اعتماد دارد که حمایت خود از ایران را با تعهدات داخلی متعادل خواهد کرد. ایران به‌عنوان یک قدرت تجدیدنظرطلب با وجود دولت اسرائیل مخالف است. از دخالت ایالات متحده در خاورمیانه احساس خطر می‌کند؛ و برای رهبری منطقه‌ای با عربستان سعودی رقابت می‌کند - که اتفاقاً متحد مهم ایالات متحده است. محور مقاومت آن‌ها بر اساس یک هویت مشترک یا یک پروژه سیاسی بلکه بیش از هر چیز بر اساس دشمنان مشترک بنا شده است. جمهوری اسلامی در پی تأثیرگذاری بر کشورهایی است که کنترل دولت در آن کم است و بازیگران محلی را که به دنبال حمایت خارجی در پیکربندی مجدد قدرت هستند، پرورش می‌دهد. در همین راستا، حمله ۲۰۰۳ به رهبری آمریکا به عراق و بیداری اسلامی ۲۰۱۱ فرصت‌های جدید و چالش‌های جدیدی را آغاز کرد. هم شبه‌نظامیان

شیعه در عراق و هم حوثی‌های یمن متحدان احتمالی خوبی برای ایران و محور مقاومت هستند. همسایگی با عراقی‌ها در اولویت است، گرچه ملی‌گرایی عراق مانعی بزرگ در برابر نفوذ ایران و محور مقاومت است. شبه‌نظامیان حشدالشعبی مورد حمایت ایران در سراسر طیف نیروهای نیابتی حضور دارند. شبه‌نظامیان و گروه‌های سیاسی توانمند مانند سازمان بدر به متحدان سیاسی - نظامی حزب‌الله تبدیل شده‌اند. گروه‌های نظامی محور مانند حشدالشعبی به‌عنوان شرکای میدان نبرد در منطقه هماهنگ با جمهوری اسلامی ایران خدمت می‌کنند. تمام این موارد نشان می‌دهد که عراق می‌تواند به‌عنوان یک اولویت در جبهه مقاومت در نظر گرفته شود. موقعیت ژئوپلیتیک عراق و نزدیکی با کشورهای شیعی منطقه از دلایلی است که می‌تواند در اهمیت جایگاه عراق برای جبهه مقاومت در نظر گرفته شود.

منابع و مأخذ

- آدمی، علی و الهام کشاورز مقدم (۱۳۹۴) «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **مطالعات سیاسی جهان اسلام**، شماره ۲: ۱۹-۱.
- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله و رضا پارسه (۱۳۹۳). «اتلاف سه‌گانه ایران، سوریه و حزب‌الله و تأثیر آن بر منافع آمریکا در خاورمیانه»، **سیاست جهانی**، ۳: ۷۳-۱۱۳.
- پارسای رضا و مهدی مطهرنیا (۱۳۹۳) «اثرگذاری محور ایران، سوریه و حزب‌الله بر منافع آمریکا در خاورمیانه»، **فصلنامه سیاست دفاعی**، شماره ۱: ۱۳۷-۱۰۷.
- پوستین چی، ز. (۱۳۹۱). «انقلاب اسلامی ایران و برسازي هنجار سياسي مقاومت در روابط بين‌الملل (عنوان عربی: الثورة الإيرانية و تطبيق المعيار السياسي الشيعي على العلاقات الدولية)». **آفاق امنیت**، شماره ۵: ۷۶-۴۹.
- سهرابی، محمد؛ ام‌الله اشرفی و مرتضی کریمی (۱۳۹۵). «کالبدشناسی احزاب و گروه‌های سیاسی عراق و تأثیر آن‌ها بر روابط ایران و عراق»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، شماره ۳۴.
- عالیشاهی عبدالرضا، یونس فروزان و حسین مسعودنیا (۱۳۹۸). «ویژگی‌های پان‌شیعیسم جریان صدر در عراق پس‌اداعش»، **پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل**، شماره ۲: ۲۱۶-۱۹۳.
- علیدادی، شهربانو (۱۳۹۰). «انقلاب ایران و ژئوکالچر مقاومت در سیاست بین‌الملل»، **فصلنامه سیاست**، ۴: ۱۷۵-۱۹۱.
- قاسمی، فرج‌الله (۱۳۹۵). **ساختار سیاسی اجتماعی شیعیان عراق**. تهران: نشر مشعر.
- قاسمی، بهزاد (۱۴۰۰). «ظرفیت‌سنجی شیعیان عراق و تأثیر آن بر محور مقاومت»، **مجله سیاست دفاعی**، شماره ۱۱۴: ۹-۴۰.
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷). «ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی»، **فصلنامه آفاق امنیت**، شماره ۳۸: ۳۴-۵.
- گلشنی، علیرضا و حمیدرضا سهرابی (۱۳۹۳). «نقش جمهوری اسلامی ایران در قیف ژئوپلیتیک غرب آسیا»، **فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۶: ۱۱۷-۸۱.

محمودی رجا، سیدزکریا، علی باقری دولت‌آبادی و بهنام راوش (۱۳۹۷). «بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از نظریه نظام جهانی»، دوفصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، شماره ۷: ۲۸-۷.

Ahmadian, H. (2021). Dignity, Wisdom and Expediency: How Ideational Factors Shape Iran's Foreign Policy. **The International Spectator**, 1-16.

Boduszyński, M. P. (2016). Iraq's Year of Rage. **Journal of Democracy**, 27(4), 110-124.

Malik, H. (2017). The Future of Iraq's Popular Mobilization Forces.

Dorj, H. & Nourani Benam, K. (2020). Explain how ISIS was defeated in Iraq and Syria by emphasizing the strategic role of the Islamic Republic of Iran. **Human Geography Research**.

Jalal Dehghani Firoozabadi, S. (2011). Ontological Security and the Foreign Policy Analysis of the Islamic Republic of Iran. **Iranian Review of Foreign Affairs**, 2(6).

Sullivan, Marisa (April 2014), Hezbollah in Syria, MIDDLE EAST SECURITY REPORT 19, Institute for the Study of War, p 1-43.

Goodarzi, J. (2013). **Iran and Syria at the Crossroads: The Fall of the Tehran-Damascus Axis?** Middle East Program, Wilson Center.

Mearsheimer, J. J. & Alterman, G. (2001). **The tragedy of great power politics**. WW Norton & Company.

Majidyar, A. Alfoneh, A. Feierstein, G. M. Vatanka, A. & Lister, C. (2018). Iran's Iraqi militia allies eye next elections to consolidate gains, expel US. **Middle East Institute**, 20.

Mohseni, P., & Kalout, H. (2017). Iran's axis of resistance rises. **Foreign Affairs**, 24.

Piotrowski, M. A. (2017). "Mosaic Defence:" Iran's Hybrid Warfare in Syria 2011–2016. **The Polish Quarterly of International Affairs**, 26(3), 18-67.

Thongin, A. (2017). Russia amidst the Syrian Civil War. **RSU International Journal of College of Government (RSUIJCG)**, 4(1).

Gordon, M. R. & Lehren, A. W. (2010). **Leaked reports detail Iran's aid for Iraqi militias**.

Piotrowski, M. A. (2017). "Mosaic Defence:« Iran's Hybrid Warfare in Syria 2011–2016. **The Polish Quarterly of International Affairs**, 26(3), 18-67.

Waltz, K. N. (2012). Why Iran should get the bomb: Nuclear balancing would mean stability. **Foreign Affairs**, 2-5.